



جلوه‌های تأمین سلامت اجتماعی بزه دیدگان (در رویکرد قانون آئین دادرسی کیفری)

بابک پورقهرمانی

دانشیار، گروه آموزشی حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران (نویسنده مسئول)
pourghahramani@iau-maragheh.ac.ir

شیدا علی دوست

دانشجوی دکتری تخصصی، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران
Alidoost.sheyda@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: در قرن بیستم میلادی با احیاء جایگاه فراموش شده بزه‌دیدگان در روند دادرسی کیفری سبب تقنین قوانین دادرسی کیفری در حمایت از بزه‌دیدگان در سطح جهانی و ملی گردید. حفظ کرامت بزه‌دیده، حقوق دفاعی، حق جبران خسارت و تمهیدات حمایتی در رفتار منصفانه و عدالت ترمیمی بزه دیده محور از جمله این حقوق است.

روش پژوهش: تحقیق حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و حاصل از مطالعه مقالات و کتب در زمینه یافته‌های محققین حوزه امنیت و سلامت اجتماعی به روش کتابخانه‌ای می‌باشد.

یافته‌ها: لابه‌لای مواد آن جلوه‌های رفتار منصفانه با بزه‌دیده به وضوح به چشم می‌خورد و از حقوق چون حق امنیت بزه‌دیده، حق طرح و اقامه دعوی و ترک تعقیب و از همه مهم‌تر حفظ کرامت انسانی بزه‌دیده بحث شده است که برخی از این حمایت‌ها از نوآوری‌های قانون جدید به شمار آمده و برخی دیگر نیز موضوعاتی است که در قوانین قبلی نیز وجود داشته و در قانون جدید ابعاد آن تکمیل گردیده است.

نتیجه‌گیری: با وجود این که اقدام قانون‌گذار در حمایت از بزه‌دیدگان گامی رو به جلو تلقی می‌گردد با این حال هنوز قانون‌گذار در این زمینه کاستی‌های دارد که برخی از این کاستی‌ها و ایرادات به خود قانون وارد است اما برخی دیگر به رویه قضایی مربوط می‌شود که با وجود پیش‌بینی برخی از حقوق برای بزه‌دیدگان به ویژه کودکان و زنان بزه‌دیده هنوز بسترهای لازم برای عملیاتی نمودن خواسته‌های قانون‌گذار در حمایت از این اقشار ضعیف فراهم نشده است.

کلیدواژه‌ها: سلامت اجتماعی، بزه دیده، دادرسی کیفری



مقدمه

همگام با فرآیند جهانی شدن حقوق کیفری، بزه دیده برخلاف گذشته یکی از کنشگران اصلی جرم و کانون‌های توجه در سیاست جنایی بین‌المللی و داخلی به عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام‌های حقوقی مختلف مبدل گردید. به طوری که ورود بزه دیده به فرآیند دادرسی جنایی تحولاتی را در جرم‌شناسی به وجود آورد که در نتیجه این تحولات به بررسی روابط بزه دیده و مباشر رفتار مجرمانه پرداخته شد و این امر زمینه مناسبی را برای ایجاد شاخه‌ای در جرم‌شناسی به نام «بزه دیده‌شناسی» را میسر ساخت. همین ضرورت حمایت از بزه دیده‌گان سبب گسترش مبانی مستحکم عقلانی و حقوقی این اندیشه گردید و سازمان‌های حقوق بشری و حقوق کیفری را واداشت تا در اندک زمانی پس از طرح مبانی نظری آن اقدام به تقنین و تحریر قوانین و اسناد بین‌المللی نموده و با عضوگیری کشورهای جهان آن‌ها را وادار به پذیرش این حقوق نمایند. باید اذعان داشت که بزه دیدگی در مقابل مجرمین در یک تقسیم می‌تواند به بزه دیدگی جرایم افراد حقوق خصوصی علیه بزه دیده و جرایم حقوق خصوصی حقوق عمومی علیه بزه دیده باشد. یا این که می‌تواند جرایم سایبری و جرایم حقیقی علیه بزه دیده باشد و گاه این جرایم بنا بر شدت و ضعف ارتکاب آن‌ها می‌تواند جرایم ساده یا جرایم سازمان یافته علیه افراد باشد. از ای رو در بُعد حقوقی، نظام کیفری یک کشور نیز باید هرم گام با پیشرفت‌های بسیار سریع در شگردهای ارتکاب جرایم سایبری و حقیقی و ساده و سازمان یافته نسبت به ترسیم سیاست کیفری جامع در مسئولیت کیفری مرتکبان این جرایم اقدام نماید. بُعد مهم این سیاست کیفری تبیین جهات مسئولیت اشخاص حقوقی در حمایت همه جانبه و یا مکلف ساختن این اشخاص به جبران رفتارهای زیانبارشان است؛ بالاخص در شرایطی که جرم سازمان یافته و در قالب یک شخص حقوقی یا حقیقی ارتکاب یافته باشد. جرایم اشخاص حقوقی چنان چه به طور سازمان یافته ارتکاب یابند عموماً به مرزهای سرزمینی خاصی محدود نمی‌شوند و در همان محدوده سرزمینی نیز نوع خاصی از بزه‌دیدگان را به وجود نمی‌آورد. در قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز با به رسمیت شناختن جایگاه بزه دیده در فرآیند تحقیقات کیفری به موجب ماده ۱۰ آن قانون بزه دیده از شخصی می‌داند که از جرم متضرر گردیده است. بر همین اساس نیز در مسر رعایت اصول قانون اساسی و اجرایی نمودن مفاد آن، در جهت تضمین حقوق بزه دیده معیارهایی را مقرر نموده است.

۱- ادبیات و مبانی نظری پژوهش

در این مبحث با بیان ادبیات و مفاهیم پژوهش به تشریح صریح عناوین کلیدی موضوع می‌پردازیم تا در جهت وسعت دید و سهولت فهم خوانندگان قدم بگذاریم.

۱-۱. سلامت و سلامت اجتماعی

تعریفی که «سازمان بهداشت جهانی» از سلامت ارائه داده است نیز ملهم از رویکرد کلیت سلامت در مورد آن است؛ براساس این تعریف: «سلامت عبارت است از رفاه کامل جسمی، روانی و اجتماعی و نه فقط بیمار یا معلول نبودن» و در این تعریف برای نخستین بار در کنار عوامل جسمی و روانی به عوامل اجتماعی نیز اشاره داشته و به عنوان یکی از ابعاد سلامت، به توانایی ایفای موثر و کارآمد نقش‌های اجتماعی بدون آسیب رساندن به دیگران؛ در واقع همان ارزیابی شرایط و عملکرد فرد در جامعه اشاره داشته است. از ابعاد مختلف سلامت اجتماعی می‌توان: یکپارچگی اجتماعی، پذیرش اجتماعی، مشارکت اجتماعی، شکوفایی اجتماعی و انسجام اجتماعی را نام برد که همگی عناوین زیر مجموعه‌ای از سلامت اجتماعی هستند. در این بیان سلامت اجتماعی بزه‌دیده یعنی قابلیت بازگشت بزه دیده به آغوش جامعه به همراه تأمین و جبران تمام ضررهای وارده بر وی به گونه‌ای که مستحق آن است و نیز کیفر و مجازات مجرم به هر عنوان و نوع مناسب خود ابتدا از وقوع جرایم آتی پیشگیری شود و ثانیاً به سزای عمل مجرمانه خود برسد.



۲- گزارش جرایم مشکوک و پیشگیری از بزه دیدگی

اولین جنبه مشارکت مردم در فرایند کیفری موضوع کشف جرم و تعقیب و ضرورت تحقیق در آن خصوص است که به سبب وضع مقررات، قانون حتی بعد از وقوع جرم نیز بای عموم حق مشارکت اعلام جرم را در نظر گرفته است. اهمیت یافتن مشارکت مردم در این مرحله باعث شده است که در برخی کشورها مانند آمریکا رویکرد تعقیب اجتماعی یا مردمی مطرح و اجرا گردد که در واقع به امر تعقیب، ویژگی اجتماعی می‌دهد و براساس آن مقام‌های تعقیب، ضمن تماس فزاینده با مردم محل و همسایگان به شناسایی مسائل و موضوعات جرم‌زا و قابل تعقیب می‌پردازند و به آن‌ها در خصوص تشخیص و پیشگیری از جرم راهنمایی و آموزش می‌دهند. تعقیب اجتماعی به سمت یک راهبرد تعقیب جهت‌یابی شده حرکت می‌کند که در آن تمرکز تعقیب به سوی کیفیت زندگی اجتماعی می‌چرخد. (رستمی، ۱۳۸۶: ۱۴۳-۱۴۲)

نقش جامعه غیررسمی (مدنی) از یک سو در اقامه شهادت و در اثبات جرایم حدی و از دیگر سو در اجرای آنها به ویژه در اجرای مجوزات جرایمی چون زنا محصنه، از مواردی است که نمودار مشارکت مردم در اقامه و اثبات حدود در اجرای حکم است. توضیح آن که در صورتی که فردی مرتکب زنا محصنه شود، مجازاتی که بر او اعمال می‌شود، سنگسار است. برای نمونه، هرگاه زناي شخصی که دارای شرایط احسان است با اقرار او ثابت شد، هنگام رجم، اول حاکم شرع و سپس دیگران سنگ می‌زنند و اگر زناي او به شهادت شهود ثابت شده باشد اول شهود سپس حاکم و بالاخره دیگران سنگ می‌زنند. (بیرانوند و سبزیان فرد، ۱۳۹۶: ۷)

در حد محاربه نیز که یکی از چهار نوع مجازات آن، تبعید است و مصداقی از مشارکت مردم در رابطه با اجرای حکم تبعید است، بدان گونه که بنا بر قول مشهور فقهای امامیه مراد از نفی بلد، تبعید محارب از وطنش است و به هر بلدی که پناه می‌آورد، حاکم به اهل آنجا می‌نویسد از معاشرت و خوردن و آشامیدن و معامله با وی خودداری نمایند؛ نقش مردم از این جهت است که با شخص تبعید مروده و معاشرت نکنند تا ماده ۲۸۵ قانون مجازات اسلامی عملی شود. (بیرانوند و سبزیان فرد، ۱۳۹۶: ۸)

۳- مشارکت دادن بزه‌دیدگان در کاهش آمار جرایم

هنوز بزه دیدگان در اکثر موارد، از مبنای سزاگرایی تبعیت می‌کنند و جز با مجازات بزهکاران آرام نمی‌گیرند و خواهان شنیده شدن نظراتشان در تعیین کیفر هستند. ترس از بزه دیدگی دوباره، هراس اخلاقی و گسترش عوام‌گرایی، این نیاز را عملاً به مرکز ثقل خواسته‌های بزه دیده تبدیل کرده است. بزه دیدگان می‌خواهند همان بلایی که بر سرشان آمده، بر سر بزهکار بیاید و او هم موقعیت فعلی خود را از دست بدهد. حتی در شکل‌های افراطی‌تر، گاهی بزه‌دیدگان شخصاً دست به کار می‌شوند و آنچه عدالت می‌دانند در حق بزهکار اجراء می‌کنند. در ایران، در پرونده‌های قتل، اسید پاشی و تجاوز جنسی به خصوص این موارد بیشتر مشاهده می‌شود. آمنه بهرامی قربانی اسیدپاشی در مصاحبه‌ای از بخشش بزهکار ابراز پشیمانی کرد و معتقد بود اگر او اقدام به قصاص می‌کرد، دیگر کسی جرأت نمی‌کرد، اسید روی صورت کسی بیاشد بزه دیدگان کماکان مجازات را مهمترین عامل در جلوگیری از تکرار جرم می‌دانند. برای تعدیل این نگاه الزم است بزه‌دیده در فرآیند تعیین کیفر و نحوه اجرای آن مشارکت داده شود تا اطمینان به اجرای عدالت پیدا کند و از عدم بزه‌دیدگی دوباره مطمئن شود. (شیری، ۱۳۹۷: ۷۸)

نیاز به مشارکت در تعیین مجازات و نحوه اجرای آن یکی از نیازهای مهم بزه دیدگان است. گاهی و حتی در بسیاری موارد، مهم‌ترین نیاز بزه دیدگان، مشارکت در تعیین مجازات و نحوه اجرای آن، عنوان می‌شود. عناصری مانند فرهنگ، نژاد، مذهب، ساختارهای سیاسی و اجتماعی می‌تواند این نیاز را برجسته تر نماید. عوام‌گرایی کیفری نیز در دهه اخیر بر این موضوع تأثیر گذاشته است. به هر حال این نیاز را نمی‌توان انکار کرد، ولی آن را باید به گونه‌ای تأمین نمود که منجر به گسترش کینه و عداوت در جامعه نشود. شناسایی این حق گام اول است؛ یعنی بزه دیده حق مجازات و مشارکت در فرآیند عدالت کیفری را طلب می‌کند.



بعد از شناسایی این حق باید فرآیندی طراحی شود که بزه دیده احساس بیگانه و تماشاجی بودن نداشته باشد. گام بعدی، توصیه به عفو و بخشش است. بزه دیده باید بتواند بر حس انتقام جویی و کینه‌خواهی خویش غلبه نماید. (شیری، ۱۳۹۷: ۷۹)

۴- نقش دهی به گروه بزهکاران پیشین

یکی از مهم‌ترین مقوله‌های حقوق کیفری، مسئله تعیین مجازات یا چگونگی توزیع آن در جهت اصلاح بزهکار است. دو اصل حاکم بر چگونگی تعیین مجازات عبارتند از: «اصل تناسب مجازات با جرم» و «اصل تناسب مجازات با مجرم» که با در نظر گرفتن این دو اصل با زمینه جرم‌شناسی عدالت ترمیمی و نقش دادن به بزه کار در جبران جرم و پیشگیری از جرم می‌شود تا حد زیادی از وقوع جرایم پیشگیری کرد. اصل نخست، برگرفته از مفاهیم استحقاق و سزادهی است؛ بدین معنا که سزادهی اقتضا می‌کند هر کس متناسب با شدت جرمش مجازات شود؛ جرم سبک، مجازات سبک و جرم سنگین، مجازات سنگین. تناسب جرم و مجازات که رویکردی جرم محور است در اواخر قرن نوزدهم تا اندازه زیادی جای خود را به رویکرد مجرم محور داد که مطابق آن مجازات نه تنها باید با جرم متناسب باشد، بلکه تناسب آن با شخصیت مجرم نیز ضروری است. اصل فردی کردن مجازات که بیانگر این معناست، ناشی از تکامل حقوق کیفری در مسیر توجه به فاعل عمل مجرمانه و شخصیت اوست. رعایت اصل تناسب مجازات با جرم فقط یکی از اهداف مجازات را که همان لازمه استحقاق مجرمان به خاطر عملشان است. آن هم به طور عینی و غیرشخصی - تأمین می‌کند. برای تأمین استحقاق به طور کامل تر و نیز مراعات دیگر اهداف سودانگاران مجازات، لازم است مجازات جنبه شخصی بیابد. در این معنا فردی سازی مجازات، تصحیح مجازات مبنی بر نیازهای مجرم به عنوان یک فرد است. پیرو مطرح شدن این رویکرد در حقوق کیفری، سیاستگذاران جنایی بر آن شدند برای عملی کردن آن و کارآمد کردن مجازات‌ها، سیستم مجازات‌های یکسان با نادیده گرفتن شخصیت مجرم و عدم تطبیق مجازات با شرایط مجرم را تغییر دهند و توجه خود را بیشتر متوجه مجرم کنند و با اعطای آزادی عمل به قضات در اعمال مجازات‌های حداقل و حداکثر تعلیق تعقیب، تعلیق مجازات، آزادی مشروط، جایگزین‌های نوین حبس و اعمال کیفیات مخففه و مشدده، به سوی ایجاد و توسعه نظام کیفری مجرم مدار به جای نظام کیفری جرم مدار حرکت کنند. از جمله راه کارهایی که براساس اصل فردی کردن مجازات‌ها در حال حاضر به عنوان یک سیاست کیفری متفاوت از سیاست‌های کیفری سابق مطرح است، «اعطای حق تعیین سرنوشت دعوای کیفری به مجرم» می‌باشد. (حاجی ده آبادی و قادری نیا، ۱۳۹۵: ۷۲)

۵- اجرایی شدن فریضة امر به معروف ونهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر یکی از نهادهای اجتماعی- اسلامی است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به مثابه ابزاری نیرومند به لحاظ نرم افزاری - نه سخت افزاری - از جایگاه قابل ملاحظه‌ای در راستای جهت دادن تابعان اجتماعی کشورمان و به ویژه گرایش به معروفات و عدم دستیازی به منکرات در فرایند اجتماعی برخوردار گردید. از این رو، همواره این سازه اسلامی بازویی وزین در فرهنگ‌سازی ایرانی- اسلامی به شمار آمده و در پرتو تعالیم و موازین مسلم اسلامی که تمامی گستره‌های اجتماعی را تحت پوشش قرار داده، توانسته است شالوده‌های دین مبین اسلام را از رهگذر امر به نیکی و خیر و نهی از منکر و بدی به تصویر بکشد. فارغ از این که این مقوله امر و نهی، به عنوان قاعده و اصل در نظام اسلامی به مفهوم اعم و نظام حقوق اسلامی در معنای اخص بوده و هست، این نهاد به منزله ابزاری پیشگیرانه در دنیای علوم جنایی و به ویژه جرم شناسی نیز قلمداد می‌شود که به موجب آن، همان گونه که می‌تواند افراد جامعه را از ارتکاب هرگونه گناه بازدارد، می‌تواند در قبال دستیازی تابعان اجتماعی به وقوع جرم نیز نقشی پیشگیرانه ایفا کند. با این توضیح که، چون در نظام جمهوری اسلامی دیانت ما عین سیاست ماست و بالعکس، لذا هر آنچه ناقض ارزش‌ها و هنجارهای بنیادین اسلامی باشد، واجد وصف کیفری است. لذا تاحدودی مفهوم - و البته نه گستره- گناه و جرم به هم نزدیک شده و از این منظر، هرگونه اقدام و تدبیری در راستای مبادرت نوزیدن افراد جامعه به نقض



ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی که در قابل «نهی از منکر» نمود می‌یابد، به نوعی اقدام و تدبیر پیشگیرانه در قبال جرم در فرایند اجتماعی است. (ساعد، ۱۳۸۶: ۷۲)

از سوی دیگر، در دنیای علوم جنایی، جرم پدیده‌ای است که شخص بدون عنایت به فرامین قانونی، اوامر و نواهی مقتن کیفری را که واجد وصف کیفری هستند نقض می‌کند و بدین واسطه، مشمول کیفر مقرر برای آن می‌گردد. در این راستا، از آنجا که چنین پدیده‌ای نظم اجتماع را مختل می‌سازد، نظام‌های اجتماعی برای مقابله همه جانبه و در واقع کنترل این واقعه مجرمانه، علاوه بر توسل به ضمانت اجرای کیفری، به تدابیری در خارج از نظام حقوق کیفری متوسل می‌گردند تا به این مهم دست یابند. از این رو، در کنار مجازات‌ها، اقداماتی اتخاذ می‌شود که با تمهید زمینه‌هایی بنیادین مانع از تحقق جرم می‌گردد. جرم شناسی پیشگیرانه در زمره شاخه‌های علوم جنایی است که این مقوله را دنبال می‌کند و با بهره‌گیری از اقدامات کنشی و غیر کیفری قبل از وقوع بزه سعی دارد به نوعی ریشه‌های جرم را در جامعه بخشکاند یا حداقل میزان ارتکاب آن را کاهش دهد. (ساعد، ۱۳۸۶: ۷۳-۷۲)

از جمله ابزارهای این گونه جرم شناسی، پیشگیری اجتماعی است که از رهگذر آموزش و پرورش و در واقع با فرهنگ‌سازی در صدد مقابله با پدیده مجرمانه بر می‌آید. از آن جا که مقوله امر به معروف و نهی از منکر نیز سعی دارد از طریق آموزش و فرهنگ‌سازی در روند جامعه، بازیگران سناریوی اجتماعی را به سوی سوق دهد که اعتلای جامعه را به دنبال داشته باشد، یکی از ابزارهای وزین پیشگیری اجتماعی در گستره جرم شناسی پیشگیرانه به شمار می‌آید که آن به عنوان ابزاری پیشگیرانه از جرم در جامعه ایرانی-اسلامی است که مطابق برخی از آموزه‌های نوین پیشگیرانه از جرم در روزگار ماست. از این رو، در کنار تعقیب اهداف ایدئولوژیک، دارای کارویژه‌ای علمی در دنیای علوم جنایی است که می‌بایست در عرض سایر کار ویژه‌های آن، این مقوله نیز مورد تأکید واقع شود و به منزله نخستین کارکرد آن مورد امعان نظر قرار گیرد؛ چرا که در تأثیر قابل ملاحظه آن در جلوگیری از وقوع جرم نمی‌توان تردید داشت. (ساعد، ۱۳۸۶: ۷۳)

۶- گسترش سازمان‌های مردم نهاد

تشکل‌های غیردولتی و غیررسمی، سازمان‌هایی با شخصیت حقیقی مستقل، غیر دولتی و غیرانتفاعی هستند که برای انجام فعالیت داوطلبانه و با گرایش‌های غیر سیاسی و بر اساس قانون مندی و اساس نامه مدون و رعایت چارچوب موضوعه کشور و مفاد آیین نامه‌های اجرایی آن فعالیت می‌نمایند، مشارکت واقعی آگاهانه و مؤثر مردم در طرح‌های توسعه شهری در سایه وجود و حضور جدی گروه‌ها، نهادها و سازمان‌های جامعه مدنی^۱ و از جمله سازمان‌های غیر دولتی^۲ میسر است.

سازمان‌های غیر دولتی و مردم نهاد (سمن‌ها)، جمعیت‌ها، گروه‌ها و نهادهای انسانی خودجوش و برآمده از بطن جامعه هستند که با فعالیت‌های غیرانتفاعی و داوطلبانه در جهت رفع معضلات اجتماعی و خدمت رسانی عمومی فعالیت می‌کنند و برترین امتیاز خود را استقلال از دولت تدوین کرده‌اند. سازمان‌های مردم نهاد از جمله سازمان‌های مدنی، تازه تأسیس و نوپایی هستند که با مشارکت داوطلبانه شهروندان دارای انگیزه، برای فعالیت گروهی در قالب یک ساختار و سازمان منسجم با هدف خدمت برای توسعه و رفاه اجتماعی و توانمند سازی افراد جامعه بدون هرگونه وابستگی به دولت تأسیس و مشغول فعالیت گردیده‌اند. سمن‌ها برای رسیدن به اهداف گوناگونی فعالیت می‌کنند و معمولاً در جهت پیشبرد اهداف سیاسی یا اجتماعی اعضا در حرکت هستند. من باب مثال، به بهبود وضعیت محیط زیست، تشویق گروه‌ها و مردم به رعایت حقوق بشر، بالا بردن سطح رفاه قشرهای محروم و آسیب پذیر یا مطرح ساختن یک برنامه مشترک و دسته جمعی می‌توان اشاره کرد. تعداد این قبیل سازمان‌ها بسیار زیاد است و اهداف آنها طیف وسیعی از موقعیت‌های سیاسی و فلسفی را در بر می‌گیرد. تشکل‌های مردمی در

^۱. CSOs

^۲. NGOs



دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه با همکاری گروه های پژوهشی حقوق شهروندی و حقوق بین الملل سلامت مرکز تحقیقات حقوق

NATIONAL CONFERENCE ON HEALTH PROMOTION & IT'S LEGAL & MEDICAL CHALLENGES

ایران دارای سوابق تاریخی دیرینه ای هستند. در واقع از زمانیکه زندگی اجتماعی انسانها در روستاها و سپس در شهرها شکل گرفت نیاز به یاریگری و مشارکت مطرح شد و کمک توانمندان به ناتوانان در اشکال فردی و گروهی شکل گرفته و نهادینه شده است. رویکرد مشارکتی در فرهنگ کهن ایرانیان چه پیش از اسلام یعنی از روزگاران باستان و چه در تعالیم اسلامی مورد توجه بوده است. در اسناد و پیمان نامه های بین المللی، بویژه در کنگره های ششم، هفتم و نهم سازمان ملل در زمینه پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان، مشارکت شهروندان و نهادهای مدنی در پیشگیری از جرم و اجرای کیفرها مورد تأکید قرار گرفته است. در سیاست جنایی کشورهای توسعه یافته، با بهره مندی از مطالعات تطبیقی از دهه شصت به بعد، شاهد توسعه اصلاحات مبتنی بر مشارکت اجتماع در عرصه های مختلف عدالت کیفری از جمله پیشگیری جامعه مدار، اصلاح و بازپروری مجرمان در اجتماع، رعایت قاعده متناسب بودن تعقیب در جهت توسعه جامعه مدار و عدالت مدار هستیم. در ایران معاصر نیز رویکرد مشارکتی را می توان در ابتدا و قبل از انقلاب در خانه های اصناف و شوراهای داوری و پس از انقلاب اسلامی در برنامه های ستاد مبارزه با مواد مخدر به منظور پیشگیری از اعتیاد جستجو نمود. با این همه بحث تدوین برنامه ملی پیشگیری از جرم جامعه مدار، مشارکت مردم در فرآیندهای کیفری، راه اندازی شوراهای حل اختلاف، میانجیگری کیفری در مرحله تحقیقات مقدماتی و فعالیت سازمان های مردم نهاد در حمایت از گروه های آسیب پذیر مثل کودکان خیابانی و زنان قربانی خشونت خانگی، انجمن های حمایت از زندانیان و خانواده های آنان و ستادهای دیه و نهادهای ارائه کننده خدمات مشورتی و حقوقی رایگان به افراد و زندانیان بی بضاعت اشاره کرد. (وروایی، محمدی و نوریان، ۱۳۹۵: ۲۹-۲۸)

همکاری و تعامل پلیس با شهروندان موجب حضور بیشتر پلیس در بین مردم می شود و از این طریق نوعی احساس امنیت و فراغ خاطر در شهروندان به وجود می آید. معتقدند از آنجایی که پلیس به طور بسیار فعال با مردم همکاری و تشریک مساعی می کند، موجب افزایش رضامندی شهروندان می شود و هر چه رضامندی شهروندان از پلیس بیشتر باشد، ترس شهروندان از جرم کاهش می یابد. هنگامی که پلیس با شهروندان از طریق گروه های محلی همسایگی، فعالیت های نوجوانان، مدارس و غیره تعامل می کند این همکاری و مشارکت، پیوندهای واقعی بین پلیس و شهروندان را تقویت و تحکیم کرده، بنابر این ترس از جرم شهروندان تقلیل می یابد. (اسماعیلیان و نوروزی، ۱۳۹۳: ۲۵)

این حق بدین معناست که مقام قضایی یا قانونگذار با احراز شرایطی خاص به بزهکار، اختیار انتخاب و اظهار نظر در دعوی کیفری را می دهد یا اراده او را در این امور دخالت می دهد. این موضوع با توجه به وضعیت فردی و محیطی بزهکار، شدت و وخامت رفتار مجرمانه، فرایند کیفری و به طور کلی مصلحت سنجی مقام قضایی جنبه های گوناگونی به خود می گیرد؛ بدین صورت که در مورد تعزیرات و مجازات های بازدارنده، در مرحله دادرسی و اجرا شیوه هایی هم چون تعلیق اجرای کیفر، آزادی مشروط و برخی مصادیق مجازات های اجتماعی می توانند به وسیله مجرم با اجازه مقام قضایی انتخاب شوند. از سویی در حقوق اسلام در جرایم حق الهی، در مواردی که توبه مجرم بعد رفع الأمر إلى الحاکم و پس از اثبات و احراز جرم، مسقط کیفر است، بزهکار این اختیار را دارد که میان مجازات شدن و توبه کردن یکی را انتخاب کند و از این راه در این مرحله نقش خود را ایفا نماید؛ بنابراین بزهکار در مرحله دادرسی و اجرا، نقش مؤثری ایفا می کند. این شیوه دادرسی فقط به دنبال سزادهی و پاسخ دادن به بزهکار نیست، بلکه شیوه ای است که به اصلاح و درمان اختیاری می اندیشد و چیزی را به مجرم تحمیل نمی کند. (اسماعیلیان و نوروزی، ۱۳۹۳: ۲۶) اعطای این حق به مجرم ارتباط تنگاتنگ و عمیقی با حفظ کرامت انسانی، اجرای عدالت صلاح و بازپروری مجرم، افزایش حس مسئولیت پذیری مجرم، توجه به شخصیت مجرم، تناسب مجازات و پیشگیری از جرم دارد؛ بنابراین می تواند به اصلی مهم در دادرسی های کیفری تبدیل شود. به همین دلیل شناخت ابعاد گوناگون این حق از جمله مبانی عمومی و جرم شناختی، آثار و چالش های فراروی آن، امری ضروری است. باید اذعان داشت که مبانی این حق و مشارکت دادن مجرم در دعوی کیفری و جبران خسارت به نوعی در عدالت و حقوق بشری ریشه دارد. (اسماعیلیان و نوروزی، ۱۳۹۳: ۲۹-۲۷)



نتیجه گیری

باید اظهار داشت که در تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مقنن به جایگاه بزه‌دیده توجه ویژه‌ای نموده و در راستای حمایت از حقوق بزه‌دیده و تأمین سلامت اجتماعی وی در طول فرایند دادرسی کیفری مقررات خاصی را به تصویب رسانده که بسیاری از آن‌ها در نظام حقوقی کشورمان تازگی داشته و از نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ محسوب می‌گردد. این اصلاحات در موازات رویکرد جدید نظام‌های حقوقی دنیا به فرایند دادرسی کیفری و عدول از عدالت کیفری کلاسیک و جای‌گزینی عدالت ترمیمی به جای آن اتفاق افتاده است. در این سیستم، نظام‌های حقوقی به جای این که به دنبال مجازات و کیفر دادن متهم باشند همان طور که در عدالت کیفری سابق چنین بود در اندیشه این هستند که در وهله اول خسارت وارده به بزه‌دیده جبران گردد و وضعیت او به حالت قبل از وقوع جرم برگردانده شود به همین خاطر نیز قانون‌گذار از انواع مشوق‌ها برای وادار نمودن متهم به توافق با بزه‌دیده و جلب رضایت او و جبران خسارات وارده به ایشان بهره برده است. قانون‌گذار در جهت حمایت از بزه‌دیده حقوقی را پیش‌بینی نموده که می‌توان در دو دسته حقوق اولیه و ثانویه تقسیم‌بندی نمود. در دسته نخست قانون‌گذار به حقوق اولیه و ابتدایی همه بزه‌دیدگان اشاره کرده که از جمله می‌توان به حق به رسمیت شناخته شدن بزه‌دیده در فرآیند کیفری، حق آگاهی از حقوق خود، حق دسترسی به محتویات پرونده، حق داشتن وکیل و ... اشاره نمود. در دسته دوم قانون‌گذار حقوق متعددی را برای بزه‌دیدگان در مراحل مختلف دادرسی پیش‌بینی نموده است. به عنوان نمونه قانون‌گذار در ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری تمامی خساراتی را که بزه‌دیده می‌تواند مطالبه نماید را پیش‌بینی نموده و در آن خسارت معنوی و منافع ممکن الحصول نیز به عنوان خسارات قابل مطالبه به شمار آمده است. البته لازم به ذکر است از آنجایی که تعیین مصادیق ممکن الحصول و یا نحوه جبران خسارات معنوی با ابهاماتی روبرو است که لازم است مقنن در اصلاحات بعدی آن‌ها را مرتفع نماید. یکی دیگر از اقدامات مثبت قانون‌گذار پیش‌بینی نهاد میانجی‌گری در روند دادرسی و تلاش برای صلح و سازش طرفین قبل از رسیدگی ترافعی است که هرچند این نهاد سابقه طولانی در نظام حقوقی ما دارد و ریشه در فقه دارد و در فقه از آن به عنوان اصلاح ذات البین یاد می‌شود اما شرایط در قالب ماده ۸۲ قانون جدید آیین دادرسی کیفری به تصویب رسیده است که بارزترین مصداق عدالت ترمیمی محسوب می‌شود. علاوه بر این قانون‌گذار در مواد مختلف قانون مذکور به حقوق متعدد بزه‌دیده اشاره کرده که برخی از آن‌ها در قانون قبلی نیز وجود داشته و برخی دیگر بی‌سابقه بوده و از نوآوری قانون جدید به شمار می‌رود. مثل پیش‌بینی قرار تعلیق تعقیب، قرار ترک تعقیب، یا مجازات‌های جایگزین حبس و ... که در همه‌ی این‌ها رضایت بزه‌دیده شرط است و قانون‌گذار از این طریق خواسته که متهم ابتدا خسارات بزه‌دیده را جبران نماید و رضایت خاطر بزه‌دیده را جلب نماید تا بتواند از تخفیفات پیش‌بینی شده در قانون بهره‌مند گردد. حمایت از بزه‌دیده در اعسار از پرداخت هزینه‌های دادرسی و شکایت، حق تأمین وکیل تسخیری، مهلت وخواهی از رأی غیابی، برقراری ترتیبات جبران ضرر و زیان در متن قانون و دستورالعمل‌های اجرایی آن و ... همه جزئی از حقوق منصفانه بر بزه دیده است که می‌تواند سلامت و امنیت روانی و جسمی و مالی بزه دیده را فراهم کند و تحت عنوان اصول تأمین گر سلامت اجتماعی بزه دیده لحاظ گردد.



منابع

۱. اسماعیلیان، مهدی ونوروزی، بهرام، (۱۳۹۳)، جلب مشارکت مردم در پیشگیری از جرایم، فصلنامه دانش انتظامی خراسان شمالی، سال اول، شماره ۴.
۲. بیرانوند، رضا وسبزیان فرد، شهرام، (۱۳۹۶)، جایگاه جامعه مدنی در حقوق کیفری با تأکید بر سیاست جنایی مشارکتی ایران، فصلنامه تحقیقات حقوق تطبیقی ایران و بین الملل، ۱۱ (۳۹).
۳. حاجی ده آبادی، محمدعلی وقادری نیا، محمد، (۱۳۹۵)، مبانی، آثار و چالش‌های حق مجرم در تعیین سرنوشت خویش در دعوای کیفری، فصلنامه حقوق اسلامی، ۱۳ (۵۱).
۴. خالقی، علی، (۱۳۹۹)، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ ششم، تهران، انتشارات شهردانش.
۵. رستمی، ولی، (۱۳۸۶)، مشارکت مردم در فرایند کیفری «بررسی سیاست جنایی کشورهای غربی»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال ۳۷ (۲).
۶. ساعد، محمدجعفر، (۱۳۸۶)، تأملی بر کارکردهای امر به معروف و نهی از منکر از منظر جرم شناسی پیشگیرانه، فصلنامه مطالعات بسیج، ۱۰ (۳۷).
۷. شیری، عباس، (۱۳۹۷)، حق بزه‌دیده در تعیین کیفر و نحوه اجرای آن، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۸۱.
۸. وروایی، اکبر ومحمدی، همت ونوریان، ایوب، (۱۳۹۵)، مشارکت سازمان‌های مردم نهاد در فرایند کیفری، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۲۸.



Effects of Providing Social Health for Victims (In the Approach of the Criminal Procedure Act)

Babak Pourkhermani

Associate Professor, Educational Department of Criminal Law & Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran (Corresponding Author)
pourghahramani@iau-maragheh.ac.ir

Shida Ali Doost

PhD Student, Criminal Law & Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran
Alidoost.sheyda@yahoo.com

Abstract

Background & purpose: In the 20th century, by reviving the forgotten place of victims in the criminal proceedings, criminal proceedings laws were enacted to protect victims at the global and national level. Preservation of the victim's dignity, defense rights, right to compensation and protective measures in fair treatment and victim-centered restorative justice are among these rights.

Research Method: The present research is a descriptive-analytical method and the result of studying articles and books in the field of the findings of researchers in the field of social security and health using a library method.

Findings: The manifestations of the fair treatment of the victim are clearly visible under the materials, and the rights such as the right to security of the victim, the right to file a lawsuit and to abandon the prosecution, and most importantly, the preservation of human dignity. It has been discussed that some of these protections are innovations of the new law, and others are issues that were present in the previous laws and their dimensions have been completed in the new law.

Conclusion: Despite the fact that the action of the legislator in supporting the victims is considered a step forward, however, the legislator still has shortcomings in this field, and some of these shortcomings and flaws are due to the law itself. is included, but some others are related to the judicial procedure, which, despite the provision of some rights for the victims, especially children and women victims, still provides the necessary platforms to implement the demands of the legislator in support of these weak sections. has not been

Keywords: Social Health, Victim Support, Criminal Proceedings